

گفت‌وگو با دکتر غلامعلی حداد عادل،
رئیس پیشین سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

۲۶ رشدها در مسیر «رشد»

۲۶

رشد

بهار ۱۳۹۰ شماره هشتم

انتشار دویست‌وپنجاهمین شماره رشد معلم بهانه مناسبی بود
برای گفت‌وگو با آقای دکتر غلامعلی حداد عادل؛ کسی که در پای
گرفتن درخت پر میوه رشد و به تعبیر خود ایشان «خانواده پر اولاد

■ **جعفر ربانی**
سردبیر رشد معلم

مؤثری در تدوام انتشار «مجلات رشد» داشته‌اید باشیم و به‌ویژه از مجله «رشد معلم» از زبان شما بشنویم. لابد می‌دانید که در حال حاضر، ۳۱ نشریه با عنوان رشد-دانش آموزشی، عمومی و تخصصی-در دفتر انتشارات کمک آموزشی منتشر می‌شود که خودتان هم در پایه‌گذاری برخی از آن‌ها سهم قابل توجهی داشته‌اید. شما نقش دفتر انتشارات کمک آموزشی و مجلات رشد را در توسعه ذوق علمی و ادبی و کتاب‌خوانی معلمان و دانش‌آموزان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

■ تشکر می‌کنم که فرصت سخن گفتن درباره مجلات رشد، به ویژه مجله «رشد معلم» را برای بنده فراهم کردید. یک واقعیت که همه معلمان باید به آن توجه داشته باشند، این است که دانش‌آموزان در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی، کتاب‌های درسی و به خصوص کتاب‌های فارسی را برای این می‌خوانند که بتوانند کتاب‌ها و چیزهای دیگر را بخوانند. من می‌خواهم در این‌جا از معلمان بپرسم که آیا تا حالا فکر کرده‌اند که چرا خیلی‌ها، مخصوصاً روستایی‌ها در قدیم، فقط کتاب‌های درسی می‌خوانند؟ آیا برای این درس می‌خوانند که همان کتاب‌های درسی را بخوانند؟ مسلماً نه! اما مشکل آن‌ها این بود که بعد از این که آن‌ها کتاب‌های درسی را می‌خوانند، دیگر چیز خواندنی ندانند، دور و برشان نبوده که بخوانند. یعنی یک دانش‌آموز که در یک روستای دورافتاده، و یا حتی یک شهر کوچک، در ۵۰ سال پیش درس می‌خواند، اصلاً غیر از کتاب‌های درسی خودش، چیز دیگری نداشت که بخواند. در بسیاری از شهرهای ایران هم نه کتابی و نه کتاب‌خانه‌ای وجود داشت. بنده یادم هست که مثلاً خرازی‌فروش‌ها در شهرهای کوچک، وقتی به مرکز استان یا تهران می‌آمدند که جنس بخرند، کنار قرقره، جوراب و نخ و سوزن چند کتاب هم می‌خریدند و می‌بردند می‌گذاشتند پشت ویتترین مغازه‌شان! این وضع توزیع کتاب



رشد «سهم بسزایی دارد. دکتر حداد عادل سیزده سال معاونت پژوهشی وزرات آموزش و پرورش و ریاست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را به عهده داشت و در این مدت به دستگاه تعلیم و تربیت کشور خدمات شایانی نمود. دکتر حداد عادل هم‌اینک نیز با عضویت در شورای عالی آموزش و پرورش و به عهده داشتن ریاست کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، هم‌چنان در جریان امور آموزش و پرورش قرار دارد. از این رو درباره این حوزه بهتر از هر کس دیگری می‌توان با ایشان تعامل و گفت‌وگو کرد.

گفت‌وگوی حاضر در شامگاه یک روز پاییزی، در محل «بنیاد دایره‌المعارف اسلامی» که دکتر حداد عادل سال‌هاست ریاست آن را به عهده دارند، انجام شد و ایشان با دقت و صبر و حوصله کافی به سؤال‌های ما پاسخ دادند.

□ آقای دکتر حداد عادل! بسیار خوش حال هستیم که این فرصت را به ما دادید تا در خدمت شما که خود نقش

در یک شهرستان بود. پس در همان کودکی ما هم دانش‌آموزان چیز مناسبی برای خواندن، بعد از کتاب‌های درسی، نداشتند. خوشبختانه این مجلات «پیک» قبل از انقلاب و «رشد» بعد از انقلاب بود که این جای خالی را پر کرد و هنوز هم تا حد زیادی پر می‌کند. پس این مجلات در واقع به دانش‌آموز ما می‌گویند تو که خواندن و نوشتن را در کتاب‌های درسی یاد گرفته‌ای، حالا بیا فایده‌اش را ببر و یک چیزی بخوان که کتاب درسی نیست؛ و چیزی نیست که مجبور باشی بخوانی و امتحان بدهی. حالا بفهم که سواد و خواندن چه فایده و لذتی دارد. آن وقت از این طریق، دانش‌آموزان را وارد باغ پرشکوه و پردرخت و میوه کتاب و کتابخوانی می‌کند و آن‌ها را با دنیای علم و فهم و فکر آشنا می‌سازد. از این جهت است که به نظر من این مجلات را نباید به هیچ وجه دست کم گرفت. چون جایی را پر می‌کنند که با هیچ چیز دیگری نمی‌توان پر کرد.

□ بعد از انقلاب اسلامی، زمانی که انتشار مجلات «رشد» آغاز شد، این مجلات، نسبت به «پیک» ها، از نظر محتوایی، چه تغییرات و تفاوت‌های اساسی پیدا کرد؟

■ قطعاً مجلات رشد از نظر محتوایی و ماهوی با مجلات پیک تفاوت عمده‌ای داشت. لابد در آرشیو مجلات دیده‌اید یا می‌دانید که من خودم در سال ۵۱، در مجلات «پیک دانش‌آموز» مقاله هم نوشته‌ام و این مجلات را می‌شناسم. حتی پیش از مجلات پیک، من در سال‌های حدود ۳۳ یا ۳۴ که در تهران به مدرسه می‌رفتم، مجله «دانش‌آموز» به دستم می‌رسید که سردبیرش اقبال یغمایی بود. در آن زمان در مدرسه روز شماری می‌کردم تا شماره جدیدی از این مجله منتشر شود و من بخوانم. یادم هست که رمان **روبنسون کروزوئه** با ترجمه خوب و جذاب اقبال یغمایی به صورت مسلسل و قطعه‌قطعه در مجله دانش‌آموز چاپ می‌شد و من شیفته خواندن این داستان بودم. بعداً هم

وقتی پیک‌ها منتشر می‌شد، در حوالی دهه ۵۰، من چند مقاله علمی که بیشتر در زمینه فیزیک، نجوم و زیست‌شناسی بود، در مجله پیک **دانش‌آموز** نوشتم. یعنی با این مجلات آشنا بودم.

به هر حال، بعد از انقلاب اسم «پیک» را به «رشد» تبدیل کردیم تا یک مقدار بار ارزشی پیدا کند و مفهوم قرآنی را با خودش حمل کند. به این صورت بود که این مجلات در خدمت انقلاب اسلامی قرار گرفت.

□ ما در مهر امسال، دویست و پنجاهمین شماره مجله رشد معلم را منتشر کردیم که آن را ملاحظه کرده‌اید. از مجله‌ی «رشد معلم» به خاطر این که محور اصلی آن معلم است، معمولاً به عنوان «مجله مادر» نسبت به سایر مجلات رشد اسم می‌برند. ظاهراً حضور شما در سازمان پژوهش در سال ۶۱، با انتشار اولین شماره مجله‌ی «رشد معلم» تقارن داشته است. آیا خودتان هم در این انتشار سهمی داشتید؟ بفرمایید چه خاطراتی از آن دارید و چرا اولین مجله رشد، با «رشد معلم» آغاز شد؟

■ بله، تصور می‌کنم تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای انتشار رشد معلم، قبل از این که من مسئولیت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را به عهده بگیرم، صورت گرفته بود. چون ابلاغ من برای معاونت وزارت آموزش و پرورش و ریاست سازمان پژوهش به تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۶۱ بود و اولین شماره رشد معلم هم ظاهراً در آبان سال ۱۳۶۱ منتشر شده بود. بنابراین معلوم است که برنامه‌ریزی، مدیریت کار و تهیه مقالات، قبل از من شروع شده بود، ولی انتشار اولین شماره، مقارن با آغاز کار من در سازمان پژوهش بوده است. در هر صورت، رشد معلم در آن زمان رابط ما با معلمان کشور بود.

در آن زمان رسانه‌ها بسیار محدود بود و ما بودیم و چند صد هزار

یکی از خصوصیات رشد معلم این بود که از اول تا آخر، برای معلمان نوشته می‌شد. یعنی یک مجله کاملاً حرفه‌ای و تخصصی بود. مجله‌ای بود که هیچ معلمی، خود را از خواندن آن بی‌نیاز نمی‌دانست

■ ما دقت داشتیم که این مجله را بیش از حد سیاسی نکنیم. یعنی وارد بحث‌های روز و بگومگوهای مرسوم داخل روزنامه‌ها و مجلات نمی‌شدیم. اصول برای ما انقلاب، اسلام، امام و ایران بود؛ آن هم در حد ضرورت به این مطالب نظر می‌کردیم؛ مابقی مجله دقیقاً آن چیزی بود که به درد یک معلم می‌خورد. خوب است بگوییم، یکی از کسانی که در آن زمان مجله رشد معلم را می‌خواند و ما را تشویق می‌کرد، مقام معظم رهبری بودند. ایشان در آن سال‌ها رییس‌جمهور بودند. چند بار ایشان به من گفتند که مجله شما را به دقت می‌خوانم. خیلی از این که مجله فنی و تخصصی است و باسلیقه تهیه می‌شود و برای معلمان مفید است، راضی بودند.

حقیقت این است که حوزه آموزش و پرورش آن قدر وسیع است و مسئله دارد و جای تنوع و ابتکار است که شما می‌توانید در هر موضوعی وارد شوید. یعنی اگر کسی بخواهد برای معلم مطلب بنویسد، مضمون کم نمی‌آورد. چون آموزش و پرورش با مسائل گوناگون و متنوع سروکار دارد.

□ **در نگاهی به پشت سر، شما سیر تحول مجله را چگونه می‌بینید؟**

■ یکی از دغدغه‌ها و مشکلات من در آن زمان این بود که دوست داشتم مجلات کمک آموزشی، خصوصاً «رشد معلم» که آن موقع تنها مجله‌ای بود که ما برای معلمان منتشر می‌کردیم، در خدمت تدریس قرار بگیرد. مثلاً می‌گفتم اگر ما یک کتاب درسی جدید تألیف می‌کنیم

معلم که باید با آن‌ها حرف می‌زدیم. می‌دانید که ما در آن زمان فقط یک شبکه تلویزیونی داشتیم! لذا خیلی گفتنی‌ها داشتیم که باید به طریقی با معلمان در میان می‌گذاشتیم. بنابراین اهتمام کردیم که این مجله به طور مستمر منتشر شود. «رشد معلم» یک «آموزش ضمن خدمت» غیر رسمی بود. البته الزامی نبود و کسی هم امتحان نمی‌داد و امتیاز و ترفیع پایه و از این مسائل هم نداشت. ولی «رشد معلم»، دستیار و مددکار معلمان بود و بنده به همان اندازه که به کتاب‌های درسی اهمیت می‌دادم، به همه رشد‌ها به خصوص رشد معلم هم اهمیت می‌دادم. ما به لطف خدا، همان طور که در تمام دوران سخت دفاع مقدس، انتشار کتاب‌های درسی، را متوقف نکردیم، انتشار مجلات رشد، به خصوص «رشد معلم» را متوقف نکردیم و درست مثل کاغذ کتاب‌های درسی برای مجلات رشد هم کاغذ تهیه می‌کردیم. در آن زمان دشمن کارخانه‌های کاغذسازی ما را در خوزستان بمباران کرده بود و حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد کاغذ ما از خارج وارد می‌شد و کار کردن خیلی سخت بود.

خوشبختانه «رشد معلم» هم مدیران مسئول و هم سردبیران خوبی داشت. آن‌ها، اشخاص فهیم، مدیر، باذوق و خوش سلیقه‌ای بودند و این مجله، مجله مطلوبی بود. من تصور نمی‌کنم بعد از انقلاب، ما ماهنامه دیگری، مثل این مجله، داشته باشیم که شماره آن به ۲۵۰ رسیده باشد. تازه اگر تعطیلی یک ماه آخر و سه ماه تابستان نبود، شاید شماره آن به حدود ۳۵۰ هم می‌رسید. یکی از خصوصیات رشد معلم این بود که از اول تا آخر، برای معلمان نوشته می‌شد. یعنی یک مجله کاملاً حرفه‌ای و تخصصی بود. مجله‌ای بود که هیچ معلمی، خود را از خواندن آن بی‌نیاز نمی‌دانست. برای هر معلمی یک چیزی داشت و چه بسا عده‌ای از معلمان از اول تا آخر آن را می‌خواندند.

□ **آیا از نظر سیاسی - اجتماعی هم به مجله نظر داشتید؟**

و وارد نظام آموزشی کشور می‌کنیم، این کتاب باید در این مجلات معرفی شود. می‌گفتم مؤلفان باید نظر خودشان را درباره آن کتاب در مجلات بیان کنند و روش تدریس خودشان را در این مجلات توضیح دهند.

یکی از کارهایی که دوست داشتم بکنم و موفق نشدم، این بود که می‌خواستم دست دفتر انتشارات کمک آموزشی را توی دست برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی بگذارم. علت عدم موفقیت من هم این بود که دوستانی که مجلات کمک آموزشی خصوصاً «رشد معلم» را در می‌آوردند، بیشتر اهل ذوق و کارهای روزنامه‌نگارانه بودند. می‌خواستند با افراد مصاحبه کنند، خاطره بنویسند، شعر بنویسند، یک روش تربیتی بیان کنند. آن چارچوب درسی که من آن را مفید می‌دانستم، با ذوق این‌ها جور در نمی‌آمد و این کار میسر نشد.

بنده بعداً برای رفع این اشکال، به فکر تأسیس «انتشارات مدرسه» افتادم. گفتم ما بیاییم برای کمک به معلمان در تدریس کتاب‌های درسی، کتاب‌هایی را منتشر کنیم. تلاش من هم این بود که «انتشارات مدرسه» را در این جهت فعال کنم. مثلاً اگر کتابی مثل ریاضیات یا علوم یا زیست‌شناسی سر کلاس تدریس می‌شود، هم معلم و هم شاگرد، در کتاب‌خانه مدرسه، چندین کتاب به صورت پشتیبان برای کتاب درسی داشته باشند. ما با چنین نیتی، «انتشارات مدرسه» را راه انداختیم. ولی بعدها ارزیابی من این شد که این مسیر هم آن‌طور که در ذهن بنده بود، ادامه پیدا نکرده است. البته یقین ندارم.

□ آقای دکتر؛ جناب عالی در دوران مسئولیت خودتان در سازمان پژوهش، به انتشار دو گونه دیگر از مجلات رشد مبادرت ورزیدید: یکی «مجلات رشد عمومی» مانند رشد آموزش ابتدایی، رشد راهنمایی تحصیلی، رشد تکنولوژی آموزشی، و دیگری «مجلات رشد تخصصی». چه انگیزه و

اهدافی موجب شد که شما به انتشار این مجلات گوناگون و متنوع دست بزنید؟ شما حتی اولین سرمقاله‌های این گونه نشریات مانند رشد «آموزش ابتدایی»، «رشد آموزش راهنمایی» و «رشد تکنولوژی آموزشی» را شخصاً می‌نوشتید.

■ همه هم و غم ما در آن زمان، تقویت آموزش و پرورش بود و هنوز هم همین عقیده را دارم. یعنی بنده عقیده دارم کلید رشد کشور در آموزش و پرورش است و هر اصلاح و پیشرفتی که ما برای کشورمان آرزو می‌کنیم، باید از آموزش و پرورش شروع شود. هر حُسنی که طالب آن هستیم، باید در آموزش و پرورش نهادینه کنیم و هر عیبی که از آن رنج می‌بریم، باید در آموزش و پرورش از میان برداشته شود و در آموزش و پرورش هم باید به معلم توجه کرد. بنده همیشه می‌گفتم، معلم تنها عنصر ذی‌روح آموزش و پرورش است و بقیه چیزها بی‌روح است.

□ حتی دانش آموز؟!

■ بله، چون دانش آموز هم مثل موم در دست معلم است، اگر چه ذی‌روح است. او مانند یک لوح صاف است که معلم می‌تواند روی آن نقاشی بکند و ذهن او را بسازد. بنابراین، در آن سال‌های اول انقلاب، در آموزش و پرورش، ما وظیفه انقلابی خودمان می‌دانستیم که تا آن‌جا که می‌توانیم، به اعتلای سطح معلمی کمک کنیم. چند سالی که گذشت و ما تجربه پیدا کردیم، تازه متوجه شدیم که باید به «روش‌های آموزش» توجه بکنیم و روش آموزش هر درس هم مخصوص خود آن درس است. پس ما نمی‌توانستیم مثلاً یک مجله در بیاوریم که در آن، هم روش آموزش جغرافیا باشد و هم روش آموزش ریاضی و هم روش آموزش فارسی. از این‌جا بود که ما سراغ تأسیس مجلات رشد تخصصی رفتیم. گفتیم

بنده توصیه می‌کنم که آموزش و پرورش کاری بکند که همهٔ معلمان، مجله‌ی «رشد معلم» را بخوانند و حتی اگر مختصری اجبار هم باشد، عیب ندارد. مثلاً اگر آموزش و پرورش ۵۰ درصد یارانه بدهد و ۵۰ درصد هم خود معلمان هزینه پرداخت کنند و این مجله به دست معلمان برسد، این به سود معلمان خواهد بود

هم تخصصی بکنیم. اول تصمیم گرفتیم که مسائل معلمان ابتدایی را از راهنمایی جدا کنیم و رشد آموزش ابتدایی را طراحی کردیم. شاید هم «رشد تکنولوژی آموزشی» مقدم بود. از آقای دکتر عادل یغما که هم متخصص تکنولوژی آموزشی، هم علاقه‌مند و هم قلم به دست بود، خواستیم که حرف‌های خودش را در زمینهٔ تکنولوژی آموزشی متمرکز کند و ابتدا مجلهٔ رشد تکنولوژی آموزشی را همراه رشد معلم به صورت ضمیمهٔ رایگان چاپ کردیم، تا این که بعد از چند سال توانستیم آن را به صورت مستقل منتشر کنیم. رشد ابتدایی هم اول ضمیمه‌ای داخل مجله بود که بعداً جدا شد و **رشد آموزش ابتدایی** که امروز می‌بینید درست شد. هم‌چنین رشد آموزش راهنمایی تحصیلی را به همین ترتیب ضمیمهٔ تولید کردیم که بعد فصل‌نامه شد و حالا شده است ماه‌نامه.

ما یک **فصل‌نامهٔ تعلیم و تربیت** هم منتشر کردیم که مجله‌ای پژوهشی و تحقیقاتی برای کارشناسان ستادی و برنامه‌ریزان سازمان بود که اکنون هم در بخش دیگری از وزارت‌خانه منتشر می‌شود. بعد از من هم، این مجلات رشد، باز هم رشد کرد و همان‌طور که گفتید، الان به ۳۱ عنوان رسیده است که سرمایهٔ بزرگی برای آموزش و پرورش است. بنده توصیه می‌کنم که آموزش و پرورش کاری بکند که همهٔ معلمان، مجله‌ی «رشد معلم» را بخوانند و حتی اگر مختصری اجبار هم باشد، عیب ندارد. مثلاً اگر آموزش و پرورش ۵۰

معلم‌های ابتدایی و راهنمایی رشد معلم را بخوانند و در دبیرستان هم برای هر مادهٔ درسی، یک مجله داشته باشیم که جامعهٔ مخاطب ما، معلمان آن مادهٔ درسی باشند. فکر می‌کنم اولین مجلهٔ ما در این زمینه، «رشد آموزش ریاضی» و بعد «رشد آموزش فیزیک» بود. من عنوان کلی این مجلات را «**رشد آموزش**» گذاشتم. اسم آن‌ها را رشد ریاضی یا رشد فیزیک نگذاشتیم، چون نمی‌خواستیم موضوعات ریاضی و فیزیک را رشد بدهیم. ما می‌خواستیم هنر و مهارت آموزش ریاضی یا فیزیک یا فارسی را تعلیم بدهیم. این‌ها به تدریج توسعه پیدا کرد و تا وقتی که من در سازمان پژوهش بودم، یعنی سال ۱۳۷۲، تعداد مجلات رشد به ده مجله رسید. خودم هم یک منشور و بیانیه‌ای طراحی کرده بودم که فواید و نتایج این مجلات را در آن نوشته بودم و هر مجلهٔ جدیدی که منتشر می‌کردیم، من آن مقاله را با اندکی دست‌کاری، در اولین شمارهٔ مجله قرار می‌دادم و با معلمانی که این مجله به آن‌ها تقدیم می‌شد، از این طریق صحبت می‌کردم. شاید در آن زمان، ما تنها کشوری بودیم که در این منطقهٔ دنیا، برای درس‌های مختلف و معلمان مختلف، مجلهٔ تخصصی داشتیم. ضمناً ما از افراد موجه و عالم برای انتشار مجلات تخصصی کمک گرفتیم. مثلاً استادان دانشگاه تربیت معلم در رشتهٔ ریاضی، مجلهٔ رشد ریاضی را اداره می‌کردند. یا استادی مانند شادروان دکتر **حسین شکوهی** که بزرگ جغرافی‌دانان کشور بود، سردبیر مجلهٔ رشد جغرافیای ما بود. یا یک آدم خوش‌ذوق و خوش‌قلم و دوست نازنین مانند مرحوم **کیومرث صابری**، سردبیر رشد آموزش ادب فارسی بود. به این ترتیب، ما برای عموم معلمان دبیرستانی، مجله داشتیم.

□ **رشد‌های عمومی را چگونه گسترش دادید؟**

■ بله، رشد «رشد»‌ها ما را به این نتیجه رساند که حتی «رشد معلم» را



معلمان قرار گیرند؟

■ شما نسبت به من، در این زمینه مسلط‌تر هستید و من فقط نظر خودم را با قید احتیاط عرض می‌کنم. توصیه من این است که شما باید کاری کنید که این مجلات در درجه اول خواندنی، زیبا، دل‌نشین، جذاب، هنرمندانه و دارای مطالب نو باشند و از ذوق، برای آن‌ها مدد بگیرید. ادبیات و زبان فارسی در آن‌ها جدی گرفته شود.

توصیه بعد من این است که شما در انتشار این مجلات، مسئله‌نگر باشید و برای معلمان به صورت انتزاعی مطلب ننویسید. یعنی سعی کنید مسائل معلمان را بشناسید و به این مسائل پاسخ دهید. البته مراد من مسائل اداری نیست. چون یکی از ویژگی‌های رشد معلم این بود که هیچ وقت وارد مسائل اداری، اضافه حقوق،

درصد یارانه بدهد و ۵۰ درصد هم خود معلمان هزینه پرداخت کنند و این مجله به دست معلمان برسد، این به سود معلمان خواهد بود؛ چون معلمان هر اندازه در کار خودشان تخصص و تبحر پیدا کنند، هم به سود خودشان و هم به سود کشور است. خلاصه اگر ما برای کشور علم می‌خواهیم، این مجلات یک حلقه لازم است که این زنجیره علم را متصل نگه می‌دارد و اگر این‌ها نباشد، قطعاً یک فروریختگی و یک گسیختگی در زنجیره آموزش علم در کشور ما به وجود خواهد آورد.

□ آقای دکتر! چه توصیه‌هایی برای سردبیران مجلات رشد دارید تا این مجلات در بازار شلوغ و پررونق مجلات، جایگاه وسیع‌تری پیدا کنند و مورد استقبال بیشتری بین

بعد از انقلاب اسم «پیک» را به «رشد» تبدیل کردیم تا یک مقدار بار ارزشی پیدا کند و مفهوم قرآنی را با خودش حمل کند

آینده کنید؛ چه تربیت دینی، اخلاقی و معنوی و چه تربیت علمی. ما برای رشد این کشور، هیچ راه دیگری جز تربیت کردن یک نسل بهتر، فرهیخته‌تر و والاتر نداریم و این کار به دست معلمان سپرده شده است. ان شاءالله که همه آن‌ها موفق باشند. اگر ما امروز می‌بینیم که رشد علمی در این کشور پیدا شده و ایران علی‌رغم همه فشارها، استوار سرپای خودش ایستاده، نتیجه زحمت معلمان و کسانی است که در بخش‌های دیگر تلاش کرده‌اند و ان شاءالله که بیشتر هم تلاش خواهند کرد.

□ و سخن آخر شما؟

■ جا دارد که رسیدن «رشد معلم» را به شماره دویست و پنجاهم تبریک عرض کنم. آن روز که اولین شماره‌های «رشد معلم» منتشر می‌شد، ما تصور نمی‌کردیم که باشیم و بمانیم و امروز شاهد انتشار شماره دویست و پنجاهم «رشد معلم» باشیم. پس دست همه کسانی را که در طول این سال‌های طولانی، این مجله را منتشر کردند و آن را به این‌جا رساندند، می‌فشارم و امیدوارم آن معلمانی هم که در این مجله حضور پیدا کردند و نوشتند و گفتند و مجله را غنی کردند، اگر زنده هستند، به سلامت باشند و اگر که دیده از دیدارشان محروم مانده، ان شاءالله علو مقام و درجات را داشته باشند و مجله‌ی «رشد معلم» روز به روز رشد بیشتری بکند.

□ از جناب عالی بار دیگر تشکر می‌کنیم.

مرخصی، بخش‌نامه‌ها و این چیزها نمی‌شد. ولی شما یک معلم را سر کلاس در نظر بگیرید و ببینید مشکل او چیست. یعنی شما هم‌زمان به دو تا جنبه توجه کنید: یکی به فرهنگ معلمی و دیگری دانش و مهارت‌های معلمی.

بنده می‌خواهم بگویم آن حدیث معروف که می‌فرماید: «الطَّرْقُ الی الله بعدد انفس الخلائق»، در کار معلمی مصداق دارد. یعنی روش‌های تدریس به تعداد معلمان، مختلف و متفاوت است و هر معلمی خصوصاً معلمان علاقه‌مند و عاشق کار معلمی، شگردهایی برای تدریس و کار کلاس‌داری دارند که خوب است شما آن‌ها را در «رشد معلم» منعکس کنید و یک تجربه موفق را به وسعت ایران، در اختیار همه معلمان قرار دهید تا رشد معلم دریایی شود که از هر کوهساری یک جویباری به سمت آن سرازیر شود.

□ آیا شما خودتان هنوز هم تدریس می‌کنید و در جریان امور معلمان هستید؟

■ بله، من افتخار می‌کنم که خودم هم یک معلم هستم. در هر کجا هم که به ضرورت انقلاب، مشغول کار باشم، باز هم معلم هستم. ضرب‌المثلی است که می‌گویند پرنده هر اندازه هم که پرواز کند و به اوج آسمان برسد، باز هم ناچار است برای جمع کردن دانه به زمین برگردد. ما هم هر کجا که برویم، آخرش معلم هستیم. بنده همین الان هم که ۴۵ سال از آغاز تدریسم در دانشگاه می‌گذرد، در دبیرستان تدریس می‌کنم و همیشه افسوس می‌خورم که چرا وقت من کم است و بیشتر نمی‌توانم در مدارس تدریس کنم. پیام من به همه معلمان سراسر کشور ایران این است که اگر سعادت، مجد و عظمت این کشور و ملت را می‌خواهید و دوست دارید ایران از آن عقب‌ماندگی‌هایی که در طول قرون به آن تحمیل شده، نجات پیدا کند، در این شرایطی که به برکت انقلاب، راه باز شده است، هر چه دارید، صرف تربیت نسل